# د) معجم اشتقاقی: «سلم» به معنای انسحاب مستمر و مالئم

آقای حسن جبل طبق رسم خوبی که دارد؛ یکی از جاهای خیلی خوب کتاب او، همین مادهی «سلم» است. ایشان مادهی «صلو، صلات» را بهمعنای «تلیین و عرض»[1] گرفت. در اینجا ایشان، از «سلّ»[2] شروع میکنند و بعد با «سلو»، «سلم»، «سلک» میسنجد و همه را توضیح میدهد. اصل «سلّ» را ریشهی این ماده میگیرد و میگوید: «س» دلالت بر انسحاب دارد؛ یک چیزی با حالت خیلی ظریف و لطیف در تار و پود شیء دیگر، نفوذ کند. «ل» هم دلالت بر دوام و استمرارش دارد. پس «سلّ» یعنی نفوذ با لطافت و متانت و با استمرار. بعد همه لغات را میگوید. وقتی به «سلم» میرسد، میگوید: «م» آن، دلالت بر التئام دارد. التئام یعنی با هم سازگار بودن و سر ِدعوا نداشتن.

پس روی معنای ایشان، «سلم» به این معنا میشود که یک چیزی در چیز دیگری سرایان داشته باشد، بدون اینکه حالت اصطکاک و درگیری و شقاق در آن باشد، با سر و پا التیام و مالئمت صورت بگیرد. ایشان از صوتش این معنا را برداشت میکنند. «س ل م» صوتیا ً میبینید در خصوص این لغت کتاب ایشان شاید سرآمد همهی کتابها باشد. از ریخت ِکاری که ایشان به لغت داده است؛ رابطهی میان صوت، لغت و معنا [نکات خوبی به دست میآید]. از نقاط قوت کتاب حسن جبل این است که وقتی وارد مادهی «سلم» میشود، اول نمیگوید صوتش این است و معنایش این است. این کار خوب او است. اول سراغ استعمالات میرود. یعنی با کلیگویی و از دور یک چیز بگوید که روح معنا این است، رفتار نکرده است. البته مانعی هم ندارد و جلوتر هم عرض کردم. در تجربهی طلبگی، چندین سال از اشتغال عمر طلبگی، به همین گرایش و همین نگاه گذشت. خوب هم بود. آدم به یک لغت بهعنوان یک واحد توجه کند. چه کار داریم عرب چه میگوید! ما بهصورت تجریدی از موارد استعمال، لغت را به دست بیاوریم. ولی خُب، تجربتا میگویم؛ چندین سال بود. آدم لذت خاصی هم میبرد. ولی برای آدم لمس میکند که این راه درست نیست. این راه، راه ناقصی است. خوب است، اما ناقص است. لذا آقای حسن جبل این کار را نکرده است. با اینکه معنای واحد میآورد و زحمت میکشد، اما اول سراغ کاربردها میرود. از کاربردهای خود لغت، استفاده میکند.

## لزوم در نظر گرفتن همهی قواعد لغت، برای فهم معنا

البته بعد از اینکه ذهنم سراغ کاربرد آمده بود، قواعدی بود که جلوترها در مباحثهی لغت عرض کردم. قواعد جوروواجوری بود. یکی این بود که اول میتوانیم بهمعنای تجریدی مطلق توجه کنیم که بر همهی مصادیق صدق کند. یکی هم میتوانیم از محسوستریِن معنا شروع کنیم. نه اینکه اول سراغ روح معنا برویم. از محسوستریِن معنایی که یک بچه و بشر بدوی هم میتوانست آن را به کار ببرد، شروع کنیم و بهسوی تجرید برویم. نه اینکه ابتدا از مجرد شروع کنیم و بر مصادیق

منطبقش کنیم. اینها، راه‌های مختلفی است. وقتی شما تحقیق لغوی می‌کنید، سزاوار این است که همه‌ی این راه‌ها را مد نظر داشته باشید. همه‌ی این قواعد را در نظر بگیرید و فکر کنید. هر جایی، یکی از اینها جذاب است و تحقیق را پیش می‌برد.

شاگرد: فرمودید «س» و «ل» با هم چه معانی می‌دهد.

استاد: «س» به‌معنای نفوذ و انسحاب در یک شیء است. «ل» به‌معنای دوام و استمرار این نفوذ است. آقای حسن جبل، در «سلو» و «سلک» همه‌ی اینها را گفته است، در «سلم» می‌گوید «م» هم دال بر التیام است. پس «سلم» انسحاب و نفوذ به رفق است. «ل» دوام و استمرار است. «م» التیام است.

شاگرد: از مجموع آن، التیام به دست آورده‌اند. در معنای «م» می‌گویند: «م امتساكٌ واستواء ظاهري» [3].

استاد: التیام لازمه‌ی آنها است. بسیار خُب.

---

[1]. حسن جبل، المعجم الاشتقاقي المؤصل، ج ۳، ص ۱۲۴۴.

[2]. همان، ج ۲، ص ۱۰۶۲.

[3]. همان، ج ۱، ص ۴۱.

---

بازبینی #2
ایجاد شده 22 ژوئن 2024 13:56:18 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 ژوئن 2024 14:35:12 توسط ... .